

بررسی رفتار سیاست خارجی حزب حاکم ترکیه در قبال جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۷

عبدالمطلب عبدالله^۱
رامین ولی زاده میدانی^{۲*}
مهدی پیروزفر^۳

چکیده

حزب عدالت و توسعه به عنوان حزب حاکم ترکیه از سال ۲۰۰۲ در رأس قدرت سیاسی این کشور حضور دارد. تحلیل سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه برای شناخت مواضع این حزب ضروری به نظر می رسد. هدف پژوهش حاضر، تبیین رفتار سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران است؛ رویکردهای هویتی این حزب، طبق نظریه ونست در چارچوب نظری سازه‌انگاری تحلیل می شود؛ بر این اساس، پرسش پژوهش عبارت است از اینکه «رویکردهای هویتی مؤثر بر رفتار سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران چیست؟»؛ این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای رویکردهای هویتی مؤثر بر مواضع حزب عدالت و توسعه را در قبال جمهوری اسلامی ایران بررسی می کند؛ این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی محسوب می شود.

یافته‌های مقاله نشان می دهند که رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه در تبیین رفتار سیاست خارجی این حزب در قبال جمهوری اسلامی ایران می تواند تأثیرگذار باشد. پژوهش حاضر، «اتخاذ سیاست‌های همکاری‌جویانه» را به عنوان رفتار سیاست خارجی منتخب در میان حالت‌های بررسی شده در خصوص حزب عدالت و توسعه برگزید.

واژگان کلیدی: رویکردهای هویتی، حزب عدالت و توسعه، ترکیه، مواضع سیاسی، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

(نویسنده مسئول: asemanehapht@gmail.com)

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران و ترکیه به‌عنوان دو کشور تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا به‌شمار می‌روند که حجم مناسبات دوطرف، گویای اهمیت روابط این دو کشور است. حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲ در فضای سیاسی ترکیه یکه‌تازی می‌کند؛ تحلیل رویکردهای هویتی مؤثر بر این حزب براساس چارچوب نظری سازه‌انگاری با تأکید بر نظریه ونت^۱ می‌تواند مواضع آن را بررسی کند چراکه انگاره‌های هویتی، محوری‌ترین مبحث در نظریه سازه‌انگاری محسوب می‌شوند و نظریه ونت، در میان نظریه‌پردازان دیگر، بیشتر کاربرد دارد.

از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران و ترکیه به‌عنوان دو کشور همسایه تلاش می‌کنند، حجم مبادلات خود را به ۳۰ میلیارد دلار برسانند و روابط دوطرف، دارای اهمیتی بالاست، به‌نظر می‌رسد، حزب عدالت و توسعه طی سال‌های آتی نیز نقشی تعیین‌کننده در سیاست داخلی و خارجی ترکیه ایفا خواهد کرد لذا تبیین مواضع این حزب برای فهم سیاست خارجی ترکیه در قبال جمهوری اسلامی ایران، ضروری است؛ پژوهش حاضر تلاش می‌کند که رویکردهای هویتی آن را تحلیل کند تا فهمی درست از مواضع این حزب حاصل شود؛ این مسئله، اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر را مشخص می‌سازد.

هدف پژوهش حاضر، تحلیل رویکردهای هویتی مؤثر بر مواضع حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران است؛ براین اساس، پرسش اصلی مقاله عبارت است از اینکه «رویکردهای هویتی مؤثر بر مواضع حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران چه بوده است؟»؛ فرضیه‌ای که برای این موضوع در نظر گرفته شده، عبارت است از اینکه «رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه با ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران متفاوت است»؛ این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای، موضوع پژوهش را بررسی می‌کند و ازلحاظ هدف، کاربردی محسوب می‌شود.

بازیگران سیاسی براساس نظریه ونت از باورها و انگاره‌های هویتی خود در تصمیم‌گیری‌ها تأثیری می‌پذیرند؛ لذا تحلیل رویکردهای هویتی این بازیگران، فهم عملکردهای آنها را امکان‌پذیر می‌سازد. احزاب سیاسی ترکیه از جمله حزب عدالت و توسعه در نوعی بستر هویتی متفاوت

1 . Wendt

رشد کرده‌اند. حزب عدالت و توسعه، خوانشی خاص از اسلام‌گرایی دارد و رویکردی اخوانی را در پیش گرفته‌است. رقابت احزاب ترکیه در عرصه سیاسی این کشور نشان می‌دهد که رأی‌دهندگان به این احزاب نیز از انگاره‌های هویتی آنها تأثیری پذیرند و به‌سوی حزب مورد علاقه خود سوق می‌یابند.

پژوهش حاضر با تأکید بر نظریه ونت در چارچوب نظری سازه‌نگاری، رویکردهای هویتی مؤثر بر رفتار سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه را در قبال جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌کند.

الف - پیشینه تحقیق

پژوهش حاضر، براساس رویکردهای هویتی به تحلیل رفتار سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌است؛ نوآوری موجود در این پژوهش به رویکردهای هویتی آن و تحلیل رفتار سیاست خارجی، مربوط است؛ این مقاله با استفاده از رویکردهای هویتی براساس نظریه ونت در چارچوب نظری سازه‌نگاری به تحلیل رفتار سیاست خارجی پرداخته‌است؛ این در حالی است که پژوهش‌های پیشین به مجموع رویکردهای هویتی توجه نداشته‌اند و حالت‌های رفتاری سیاست خارجی را در قبال جمهوری اسلامی ایران بررسی نکرده‌اند.

حامد یعقوبی‌فر در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر معمای هویت حزب عدالت و توسعه بر سیاست خارجی ترکیه در قبال قفقاز جنوبی» (۱۳۹۳)، به بررسی رویکردهای هویتی این حزب در قبال قفقاز جنوبی پرداخته‌است؛ این در حالی است که مقاله حاضر، به تأثیر رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه بر مواضع این حزب در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد؛ سید جواد امام جمعه‌زاده نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه» (۱۳۹۱)، به‌طورصرف بر تحول گفتمان هویت در ترکیه اشاره کرده‌است و رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه و تأثیر آن بر مواضع این حزب را بررسی نکرده‌است؛ به‌طورکلی، تاکنون به مجموعه رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه برای تحلیل رفتار سیاست خارجی این حزب در پژوهش‌های پیشین توجه نشده‌است.

ب - چارچوب نظری

سازه‌نگاری کوششی عمیق در حوزه فرانظری دانسته می‌شود. نئورئالیسم پس از فروپاشی شوروی از ارائه درکی قابل‌پذیرش از این اتفاق، ناتوان بود؛ لذا این مسئله، موجب شدت بخشیدن به جریان

سازهانگاری شد؛ پیشروان این نظریه از حیث مباحث فرانظری ازیکسو در میان طیف طبیعت‌گرایان/ اثبات‌گرایان و ازسوی‌دیگر، [در میان] پاسااختارگرایان قرارگرفته‌اند و معتقدان به آن از لحاظ مباحث محتوایی نیز در میانه واقع‌گرایان و لیبرالیست‌ها قراردارند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۳۱۵)

سازهانگاری، بحث را از معرفت‌شناختی به هستی‌شناسی می‌کشانند و تلقی ذات‌گرایانه را از موجودیت جهان و قواعد به «مسئله‌ای برای اندیشیدن» بدل می‌کند؛ این نظریه بر آن است که جهان و چارچوب‌های آن را به جای «بودن»، «درحال‌شدن» مشاهده‌کند (متقی و کاظمی، ۱۳۹۰: ۲۱۱)؛ پیشینه این نوع اندیشه به عصر روشنگری، مربوط می‌شود و به‌گونه‌ای در تفکرهای فیخته و کانت، به آن توجه‌شده‌است؛ براین‌اساس از لحاظ هستی‌شناسی از ایده‌آلیسم در مقابل ماتریالیسم و از «ذهنیت‌گرایی» در مقابل «عینیت‌گرایی» دفاع می‌کند (خاتمی، ۱۳۹۱: ۶۸ تا ۷۰). تمرکز عمده سازهانگاران در بعد هستی‌شناسانه بر انگاره‌ها، هنجارها، معانی، رویه‌ها و قواعد است؛ درحقیقت به نظر آنها نظام‌های معنایی، چگونگی تفسیر کنشگران را از محیط مشخص می‌سازند (Wind, 2004: 225).

سازهانگاره‌ها ازجمله *ونت*، به رویکردهای هویتی بازیگران برای تشریح چگونگی تشکیل منافع تأکید می‌کنند؛ آنها بر این باورند که منافع کنشگران، از مناسبات اجتماعی ناشی‌است؛ لذا نمی‌توان از منافع گذشته اجتماعی سخن به‌میان آورد. هویت‌ها تجسم‌یافته شرایط فردی محسوب می‌شوند و بازیگران از طریق آن با یکدیگر مناسبات برگزار می‌کنند؛ این وضعیت یادشده سبب می‌شود که بازیگران، خود را در شرایطی خاص مشاهده‌کنند به‌گونه‌ای که منافع این کنشگران را معین می‌سازند (وهاب‌پور، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

ونت، رویکردهای هویتی را امری اجتماعی می‌داند؛ به‌عبارت‌دیگر در فرایند ساختن خود، دیگری نیز این روند را تجربه می‌کند؛ بنابراین، هویت، امری سیال محسوب می‌شود؛ براین‌اساس، برداشت بازیگران را از خود و منافع و اهداف آنها تغییر می‌دهد. تشکیل هویتی جدید سبب می‌شود که منافع جدید برای یک دولت طرح شود (Ritberger, 2002: 124).

نظریه *ونت* در میان متفکران سازهانگاری، بیشتر کاربرد دارد چراکه این نظریه در تبیین موضوع‌های روابط بین‌الملل، موفق‌تر بوده‌است؛ این موضوع سبب شده‌است که دیدگاه *ونت*، بیشتر در تحلیل‌های برگرفته از سازهانگاری استفاده شود (هینه بوش، ۱۳۹۴: ۲۸۹ و ۲۹۰).

ونت بر این باور است که منافع و رویکردهای هویتی در همه حال به‌وسیله فرایند، مرتبط هستند.

گرچه ممکن است هویت‌ها در برخی از شرایط، دارای ثبات نسبی باشند لذا می‌توان آنها را مسلم در نظر گرفت؛ با این حال، این موضوع، همیشه صادق نیست؛ درحقیقت، رویکردهای هویتی و منافع در تحول هستند. ونت معتقد است که تحول یادشده در نظام بین‌الملل از سه مسیر، محقق می‌شود: اول اینکه نهاد حاکمیت در این تحول، نقش‌آفرین است؛ این نهاد سبب می‌شود که بازیگران دولتی در موقعیتی به نسبت آنارشیک نیز اندازه‌ای از خویش‌تنداری را بروز دهند.

دوم اینکه تقویت همکاری‌ها زمینه تحول را در رویکردهای هویتی فراهم می‌سازد. سوم اینکه اقدام‌های عامدانه برای متحول ساختن رویکردهای هویتی خودمحور به رویکردهای هویتی گروهی، سومین راه در این میان است.

ونت درباره تحول هویت‌ها توجه خود را به نظام مبتنی بر همکاری، به جای نظام امنیتی رقابتی قرار می‌دهد؛ او این روند را متشکل از چهار مرحله توصیف می‌کند؛

فروپاشی اجماع درباره تعهدهای هویتی، اولین مرحله یادشده است.

به‌حاشیه‌رفتن برداشت‌های قدیمی و ساختارهای مناسبات ناشی از آن، دومین مرحله است.

سومین مرحله به‌دنبال ایجاد رویه‌هایی جدید است که «خود» و «دیگری» را برای اتخاذ رویکردهای هویتی جدید هدایت می‌کند؛ درحقیقت، آن را طبق بازنمایی‌های خود دسته‌بندی می‌کند.

چهارمین مرحله نیز پاداشی است که از سوی «دیگری» اعطای می‌شود؛ نتیجه چنین روندی، نهادینه شدن هویت‌بخشی مثبت میان امنیت دوطرف است؛ این امر به بنیانی بین‌ذهنی ختم می‌شود که برای تعهدهایی جدی‌تر به هویت و منافع جدید یاری می‌رساند (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

براساس این اندیشه، سازه‌نگاری نظام بین‌الملل را به‌عنوان دنیای برساخته شکل می‌دهد که ساختارهای بین‌ذهنی در تقویت آن و رویکردهای هویتی بازیگران، منافع و مناسبات آنها نقش‌آفرین هستند؛ درحقیقت، رویه‌های بازیگران به ساختارها سامان می‌دهد و آنها را بازتولید می‌کند؛ این رویه‌ها در ساختارها تحول ایجاد می‌کنند و حتی قادر است به تحولات اساسی در شرایط منجر شود.

پ- تاریخچه حزب

حزب عدالت و توسعه سوم نوامبر سال ۲۰۰۲ با پیروزی در انتخابات ترکیه به عرصه قدرت در این کشور وارد شد؛ این حزب با کسب ۳۴/۲۸ درصد از کل آراء توانست ۳۶۳ کرسی را از ۵۵۰ کرسی پارلمان ترکیه کسب کند. آک‌پارتی در چهاردهم اوت ۲۰۰۱ تشکیل شد. بررسی شجره‌نامه

حزب عدالت و توسعه نشان می‌دهد که این حزب به احزاب جنبش اسلامی وابستگی دارد. احزاب اسلامی با حزب نظام ملی به عرصه سیاسی ترکیه وارد شدند؛ این حزب در سال ۱۹۷۰ تشکیل شد (Yavuz, 2003: 45)؛ همچنین، احزابی اسلامی مانند «سلامت ملی در سال ۱۹۷۲، حزب رفاه در سال ۱۹۸۳ و حزب فضیلت در سال ۱۹۹۸» تشکیل شدند.

جناح تجدیدنظرطلبی در داخل حزب فضیلت به رهبری عبدالله گل به وجود آمده بود؛ این در حالی بود که گل نتوانست در انتخابات ریاست حزب به پیروزی برسد؛ این انتخابات در چهاردهم مه سال ۲۰۰۰ برگزار شد و گل ۵۲۱ رأی کسب کرد؛ رجایی کوتان در این انتخابات، ۶۳۳ رأی به دست آورد؛ این اختلاف نظر سبب شد که نجم‌الدین اربکان از کوتان حمایت کند؛ اردوغان نیز از عبدالله گل پشتیبانی کرد.

نجم‌الدین اربکان در سال ۱۹۷۰، حزب سلامت ملی را با تکیه بر آموزه‌های اسلامی تأسیس کرد؛ او ارتباطی تشکیلاتی با اخوان المسلمین داشت. حزب سلامت ملی ۱۰ سال در مناطق مختلف ترکیه فعالیت کرد و در میان مسلمانان معتقد، طرفدارانی را یافت؛ فعالیت‌های این حزب پس از کودتای ارتش در سال ۱۹۸۰ به پایان رسید؛ تبلیغ‌هایی گسترده نیز ضد رهبران و طرفداران حزب سلامت ملی برای ازمیان بردن جایگاه اجتماعی آن انجام شد؛ نجم‌الدین اربکان پس از متوقف شدن فعالیت این حزب در دوره حاکمیت تورگوت اوزال^۱، حزب اسلام‌گرایی دیگر را با عنوان حزب رفاه تأسیس کرد (MacDonald, 2012: 113).

او در انتخابات پارلمانی، موفق شد و در سال ۱۹۹۶، دولتی ائتلافی تشکیل داد؛ اربکان در این دولت، نخست‌وزیر شد. کارشکنی‌های داخلی و خارجی ضد دولت اربکان در این دوره نیز تداوم داشت؛ به گونه‌ای که نظامیان و لائیک‌ها در داخل و دولت‌های غربی در خارج، سدهایی در برابر اقدام‌های دولت او ایجاد کردند. بیشتر کشورهای غربی حاکمیت اسلام‌گرایان در ترکیه را تحمل نمی‌کردند. شرایط آن زمان منطقه و هم‌جواری ترکیه با جمهوری اسلامی ایران موجب شده بود که مخالفت غربی‌ها با دولت اربکان افزایش یابد؛ این موضوع سبب شد که نظامیان ترکیه به کارشکنی گسترده ضد این دولت روی آورند. دولت اربکان با کودتای سفید ارتش سقوط کرد و حزب رفاه نیز از سوی دادگاه قانون اساسی ترکیه به انحلال کشیده شد؛ نجم‌الدین اربکان و رجب طیب اردوغان به دنبال این قضیه، زندانی شدند؛ اردوغان معاونت حزب را برعهده داشت؛ اربکان پس از مدتی از

1. Turgut Auzal

زندان آزاد شد و فعالیت سیاسی خویش را دنبال کرد.

حزب اسلام‌گرای فضیلت پس از منحل شدن حزب رفاه تأسیس شد؛ رجایی کوتان، رهبری این حزب را برعهده داشت؛ ارتش ترکیه، حزب تازه تأسیس را نیز تحمل نکرد؛ لذا حزب فضیلت از سوی دادگاه قانون اساسی ترکیه غیرقانونی اعلام شد که این مسئله، انحلال این حزب را به دنبال داشت؛ دو گروه از محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان در این حزب با اختلاف نظرهایی روبه‌رو بودند؛ رجایی کوتان، رهبری محافظه‌کاران و عبدالله گل، رهبری اصلاح‌طلبان را برعهده داشتند؛ اختلاف‌های دوطرف، درخصوص فهم اسلام و تفسیر آن در مسائل جامعه بود؛ این مسئله باعث تشکیل دو حزب اسلامی با رویکردهای متفاوت شد (واعظی، ۱۳۹۳: ۵).

حزب اسلامی سعادت و حزب عدالت و توسعه، احزاب انشعابی بودند. حزب سعادت نگرش‌های محافظه‌کارانه داشت و رجایی کوتان، رهبری آن را برعهده گرفت؛ درمقابل، آک‌پارتی، رویکردی اصلاح‌طلبانه را دنبال می‌کرد که اردوغان و عبدالله گل، رهبری آن را به دست گرفته بودند؛ این حزب به رهبری اردوغان در آن زمان در نظرسنجی‌ها تا ۲۴ درصد محبوب بودن را تجربه کرد. اردوغان که پیش از آن شهردار استانبول بود، محبوبیتی در جامعه ترکیه کسب کرده بود و از نظر سیاسی، شخصیتی سالم محسوب می‌شد. پس از انحلال حزب فضیلت، ۴۸ نماینده به حزب سعادت و ۵۱ نماینده به آک‌پارتی پیوستند.

سران حزب عدالت و توسعه از حیث تربیت و آموزش، اسلام‌گرا محسوب می‌شوند؛ با این حال، مؤسسان حزب برای مقابله با فشارهایی که بر جنبش‌های اسلامی وارد می‌شد، گفتمانی جدید را دنبال می‌کردند که با رویکرد اسلامی آنها مخالف نباشد و درعین حال با نظام حاکم نیز به‌رویارویی نرسد (Keyman, 2007: 217). مؤسسان عدالت و توسعه تلاش داشتند که بهانه‌ای دیگر مانند «مرحله ۲۸ فوریه» تکرار نشود؛ لذا اولین کنگره حزب با شعار «کار برای تمام ترکیه» برگزار شد. رجب طیب اردوغان در سخنرانی افتتاحیه به صورت ماهرانه، نه از آتاتورک یاد کرد و نه از رویکرد اسلام حزب، سخنی به میان آورد؛ او به اعلامیه جهانی حقوق بشر، موافقت‌نامه اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تأکید کرد و سکولاریسم را اصل بنیادین صلح اجتماعی دانست و آن را به معنای بی‌طرفی دولت درباره عقاید دینی ارزیابی کرد.

عبدالله گل نیز پس از تشکیل حزب گفته بود که حزب عدالت و توسعه، حزبی دینی محسوب نمی‌شود؛ او تأکید کرده بود که این حزب سعی می‌کند نماینده همه مردم باشد؛ گل بر این باور

بود که افراد با حجاب و بی حجاب در حزب عدالت و توسعه وجود دارند (نورالدین، ۱۳۹۲: ۱۴۱ تا ۱۵۴).
به مواردی مانند «توجه به حقوق و آزادی‌های سیاسی، اداره عامه به صورت غیرمتمرکز، ارائه خدمات اجتماعی بدون توجه به طبقه اجتماعی، توسعه آموزش و پرورش همگانی و امنیت اجتماعی» در اساسنامه حزب عدالت و توسعه تأکید شده است.

رجب طیب اردوغان به عنوان شخصیت کاریزماتیک و محوری در حزب عدالت و توسعه محسوب می‌شود؛ او در طول تاریخ جمهوری ترکیه، بیشترین مدت زمامداری ترکیه را بر عهده داشته است به گونه‌ای که مصطفی کمال آتاتورک، پیش از او بیشترین دوره زمامداری ترکیه را داشت. آتاتورک به مدت ۵۴۹۲ روز، بالاترین جایگاه سیاسی این کشور را بر عهده داشت؛ او پس از تشکیل جمهوری ترکیه در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳، رئیس‌جمهور این کشور شد. دوره ریاست جمهوری آتاتورک با مرگ وی در سال ۱۹۳۸ به پایان رسید اما اردوغان در حال حاضر، بیش از این مدت، دارای قدرت بوده است؛ او در ۱۵ مه ۲۰۰۳ (بیست و پنجم اردیبهشت ۱۳۸۲) به عنوان نخست‌وزیر ترکیه منصوب شد و در ۱۰ اوت ۲۰۱۴ (بیست و سوم مرداد ۱۳۹۳) نیز عنوان دوازدهمین رئیس‌جمهور این کشور را کسب کرد.

جایگاه ریاست جمهوری در ترکیه از زمان ورود این کشور به دوره ایجاد دموکراسی در سال ۱۹۵۰ در عمل، تشریفاتی محسوب می‌شد؛ اما اردوغان از زمانی که به ریاست جمهوری این کشور انتخاب شد، اختیارات رئیس‌جمهور را افزایش داد و نظام وابستگی حزبی رئیس‌جمهوری را احیا کرد.

ت- رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه

نگرش و باورها یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی محسوب می‌شود که در اندیشه سازه‌انگاری بر آن تأکید می‌شود؛ لذا بررسی مواضع حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران، مستلزم این است که نگرش این حزب تحلیل شود. اندیشه‌ها و خط‌مشی آک‌پارتی در این قسمت بررسی می‌شود تا رویکرد هویتی آن روشن شود.

مقاله حاضر با تبیین رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه که نظریه ونت بر آن تأکید می‌کند، تلاش دارد، تأثیر این رویکردها را بر رفتار سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران بررسی کند. اتخاذ سیاست تنش‌زدایی، پیوند سرمایه‌داری و اسلام و ارائه الگو در منطقه از جمله مهم‌ترین رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه محسوب می‌شوند.

۱- اتخاذ سیاست تنش‌زدایی

دولت اردوغان به‌خصوص در دوره نخست حکومت خویش، دوری از افراط و تنش را در رأس برنامه‌های خود تعریف کرد (اکبری، ۱۳۹۴: ۱۷۶)؛ دوری از تنش علاوه بر سیاست داخلی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه نیز دنبال شده است؛ البته نوع جهت‌گیری آنکارا در این زمینه حرکت به سوی هژمون آمریکا بوده است. نوع روابطی که ترکیه با آمریکا و رژیم اسرائیل برقرار کرده، گویای این واقعیت است که حزب عدالت و توسعه به دنبال دوری از تنش در فضای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

مناسبات آنکارا و آمریکا در سیاست خارجی ترکیه، جایگاهی ویژه دارد؛ علاوه بر روابط دوجانبه دوطرف، تأثیرگذاری این مناسبات بر روابط ترکیه با بازیگران دیگر نیز مشهود است. باور آنکارا به نقش واشنگتن در معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موجب شده است که روابط چندجانبه ترکیه و ایالات متحده آمریکا مستحکم شود؛ حتی توجه واشنگتن به جایگاه ترکیه نیز روابط راهبردی دوطرف را با اهمیت می‌سازد.

ترک‌ها درباره موضوع‌های مختلف تلاش می‌کنند که دیدگاه مثبت آمریکا را به همراه داشته باشند؛ اشاره‌ای به نمونه‌های موجود، مؤید این قضیه است. اصرار آنکارا بر پذیرفته شدن ایجاد منطقه امن در سوریه از سوی آمریکایی‌ها، مخالفت ترکیه با حمایت‌های واشنگتن از کردهای سوری، تأکید مقام‌های آنکارا بر استرداد فتح‌الله گولن و موضوع‌هایی از این دست نشان می‌دهند که تفاوت دیدگاه ترکیه با آمریکا سبب می‌شود که ترک‌ها به دنبال نظر ایجابی واشنگتن باشند البته همه مسائل موجود میان دوطرف، مورد پذیرش ایالات متحده آمریکا قرار ندارد لذا ترکیه به مخالفت خود در این حوزه‌ها اصرار می‌کند.

جایگاه ترکیه در سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا در دوره باراک اوباما نیز تداوم داشت. حضور فعال آنکارا در جبهه مخالفان نظام مشروع سوریه، یکی از مهم‌ترین نقش‌های ترکیه در قالب سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا بوده است؛ همراهی ترکیه با مخالفان بشار اسد با تجلیل آنها روبه‌رو شد؛ دمشق نیز تغییر موضع آنکارا در قبال بحران سوریه را شتاب‌زدگی ریاکارانه دانست (Schenker, 2011: 48).

تغییر جهت سریع موضع ترکیه در قبال بحران سوریه، نشان از قراردادن آنکارا در قالب راهکار (استراتژی) آمریکا در قبال دمشق است. به نظر می‌رسد منافع آنکارا و واشنگتن پس از قدرت‌گرفتن

حزب عدالت و توسعه با یکدیگر تلاقی داشته‌است. روابط راهبردی (استراتژیک) ترکیه و ایالات متحده آمریکا و اقدام‌های آنکارا برای اجرای سیاست‌های منطقه‌ای واشنگتن موجب می‌شود که این موضوع بر مناسبات تهران و آنکارا سایه‌افکند.

اتحاد ترکیه و رژیم اسرائیل در غرب آسیا نیز از پیشرفت‌های قابل توجه در این منطقه پس از جنگ سرد است. روابط ترکیه- رژیم اسرائیل با معاهده راهبردی (استراتژیک) سال ۱۹۹۶، شکلی جدید به خود گرفت. انعقاد توافقنامه‌های امنیتی و اقتصادی میان دوطرف پس از آن صورت پذیرفت (Salivan, 2008: 11).

جمهوری اسلامی ایران نسبت به همکاری‌های ترکیه و رژیم اسرائیل در حوزه‌های مختلف به خصوص امنیتی، همواره با دیده تردید نگریسته‌است. جمهوری اسلامی ایران به دنبال محرمانه بودن بخشی از قرارداد همکاری ترکیه و رژیم اسرائیل، معتقد است که همکاری دوطرف در صورت اقدام نظامی، یکی از مفاد این قرارداد است. اجازه دادن ترکیه به رژیم اسرائیل برای انجام مانورهای نظامی در مناطق کوهستانی شرق ترکیه در صورت حمله نظامی به ایران در این راستاست (Kibaroglu, 2005: 248).

پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات اکتبر ۲۰۰۲، به عنوان بزرگ‌ترین آزمون مناسبات ترکیه و رژیم اسرائیل محسوب می‌شود. به قدرت رسیدن آک‌پارتی، باعث شده بود که قرابت‌های آنکارا با همسایگان مسلمان، بیشتر شود؛ اما موضع‌گیری رجب طیب اردوغان در خصوص مناسبات با اسرائیل، نوع دیدگاه حزب عدالت و توسعه را در این زمینه مشخص کرد. اردوغان در موضع‌گیری خود اعلام کرد که مناسبات ترکیه با رژیم اسرائیل، پس از پیروزی آک‌پارتی تداوم می‌یابد (Gruen, 2004: 445).

پیروزی یک حزب اسلام‌گرا با توجه به نوع دیدگاهی که رژیم اسرائیل به دین اسلام دارد، نگرانی‌هایی را برای این رژیم ایجاد کرده بود اما موضع‌گیری اردوغان مبنی بر تداوم مناسبات ترکیه با رژیم اسرائیل موجب شد که نگرانی تل‌آویو از پیروزی یک حزب اسلام‌گرا در ترکیه، کمتر شود؛ سفر برخی از مقام‌های رژیم اسرائیل به ترکیه، مؤید این موضوع محسوب می‌شود؛ سفر شائول موفاز، وزیر جنگ اسرائیل به ترکیه در ماه مه سال ۲۰۰۳ که پس از سال ۱۹۹۷ از جمله بالاترین بازدیدهای مقام‌های دوطرف به‌شمار می‌رفت، نمونه‌ای از این دیدارهاست؛ رئیس ستاد ارتش ترکیه^۱ نیز در ماه ژوئن همان سال، به اسرائیل سفری داشت.

سفر رجب طیب اردوغان به اسرائیل و دیدار با آریل شارون در ماه مه سال ۲۰۰۵ برای تداوم

مناسبات دوطرف صورت گرفت؛ اردوغان در این دیدار از مشارکت احتمالی آنکارا در روند صلح فلسطین و اسرائیل حرف به میان آورد؛ مبارزه با تروریسم و فرایند صلح خاورمیانه از جمله مباحث دیگر دوطرف بود (Murinson, 2006: 959). سفر عبدالله گل به اسرائیل در ۳ تا ۵ ژانویه ۲۰۰۵، دیدار دیپلماتیک بعدی میان دوطرف بود؛ حتی روابط آنکارا و تل آویو، به رغم فشار اعراب در سازمان کنفرانس اسلامی تداوم داشت. درخواست عبدالله گل از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی مبنی بر واقع-گرایانه نشان دادن منازعه اسرائیل-فلسطین، موضعی بود که آنکارا در قبال واکنش های سازمان کنفرانس اسلامی اتخاذ کرد.

گرچه آنکارا بر تداوم مناسبات خود با تل آویو در دوره حزب عدالت و توسعه تأکید داشته است، با این حال، تنش هایی نیز میان دوطرف مشاهده شد؛ این تنش ها موجب سردی روابط دیپلماتیک ترکیه و اسرائیل نسبت به دهه ۱۹۹۰ شد. رجب طیب اردوغان با جنایت ضد بشریت خواندن حملات رژیم اسرائیل به مناطق فلسطینی در مه سال ۲۰۰۴، سردی مناسبات دو طرف را به نمایش گذاشت (Bengio, 2009: 3-5).

۲- پیوند سرمایه داری و اسلام

تجربه ای که از ناکامی طرح (پروژه) حزب رفاه و حزب فضیلت وجود داشت، موجب شد که اسلام گرایان در قالب حزب عدالت و توسعه نیز به دنبال تشکیل حکومت اسلامی نباشند؛ آنها بر این باور هستند که امکان چنین امری در حال حاضر وجود ندارد. به نظر می رسد آک پارتی تلاش می کند در چارچوب ارزش های دموکراتیک، اهداف اسلامی خود را دنبال کند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۹۰).

میتینگ هایی که با عنوان «میتینگ های جمهوری» در سال ۲۰۰۷ در برخی از شهرهای ترکیه تشکیل شد، سران حزب عدالت و توسعه را به این نتیجه رساند که دنبال کردن طرح (ایده) حکومت اسلامی در شرایط کنونی، امکان پذیر نیست؛ آنها بر این اعتقادند که بخش هایی از جامعه نسبت به اهداف آک پارتی بدبین هستند و این موضوع هنوز در میان اقشاری از جامعه تداوم دارد.

رجب طیب اردوغان، طرح (ایده) پدران معنوی خود مبنی بر «نظام اقتصادی اسلامی» را دنبال نکرد. او به تضادی میان سرمایه داری و اسلام معتقد نبود. موفقیت کارنامه اقتصادی حزب عدالت و توسعه سبب شد که ترکیه خود را به عنوان الگویی برای کشورهای در حال تحول غرب آسیا و شمال آفریقا مطرح کند.

۳- ارائه الگو در منطقه

روابط حزب عدالت و توسعه با جمهوری اسلامی ایران به دنبال تحولات کشورهای عربی، به عرصه‌ای جدید وارد شده است (Ayman, 2012: 15). جهان عرب در سال ۲۰۱۱، تغییرهایی عمده را به خود دید؛ این تحولات نشان داد که ائتلاف‌های منطقه‌ای در غرب آسیا تا چه اندازه ناپایدار هستند (Ertugral, 2012: 1-10). تحولات جهان عرب، وقوع حرکت‌های اسلام‌گرا و غیراسلام‌گرا در این کشورها (که از آن به بهار عربی تعبیر شده بود) و وقوع انقلاب در کشورهای تونس، مصر و لیبی، تحولاتی جدید را در سطح منطقه پدیدار ساخت.

ترکیه به دنبال ارائه مدل نظام سیاسی خود به عنوان الگوی اسلام سیاسی مدرن بر پایه آموزه‌های اهل سنت در کشورهای انقلابی بود البته سابقه تاریخ امپراتوری بزرگ عثمانی را در این رویکرد ذهنی ترکان از نظر نباید دور داشت؛ این امپراتوری به طور تقریبی شش قرن بر کل مناطق یادشده سیطره سیاسی و فکری داشت؛ تحولات این کشورها موجب شد، رقابت حزب حاکم عدالت و توسعه با جمهوری اسلامی ایران شدت گیرد؛ مهم‌ترین مسئله در این میان به بحران سوریه، مربوط بود (Ertugral, 2012: 1-10) تأکید رهبران حزب حاکم عدالت و توسعه بر سرنگونی دولت سوریه سبب شد که اختلاف نظر جمهوری اسلامی با سران ترکیه افزایش یابد.

تحولات کشورهای عربی و وقوع بحران در سوریه باعث شد که مناسبات آنکارا و دمشق تیره شود (Tanir, 2011: 5-10)؛ تیره شدن روابط دوطرفه، تفاوت دیدگاه حزب عدالت و توسعه و جمهوری اسلامی ایران را نیز در پی داشت. ترکیه در حالی به تغییر نظام سوریه تأکید دارد که ایران با این موضوع، مخالف است. مذاکرات متعدد درباره بحران سوریه از جمله مذاکرات «آستانه» قزاقستان که با نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران، روسیه و ترکیه برگزار شده است، به طور عمده بر حفظ دولت بشار اسد تأکید دارد.

چرخش سیاست آک‌پارتی، دوری این حزب حاکم ترکیه از همسایگان این کشور، به ویژه جمهوری اسلامی ایران را سبب شده است. موضع جمهوری اسلامی ایران در خصوص سوریه، مبتنی بر اصلاحات بدون دخالت دیگران و هم‌اندیشی قدرت‌های منطقه‌ای و اسلامی است که در نهایت به «راهکار سوری - سوری» منتهی می‌شود. جمهوری اسلامی ایران، خواستار مشارکت ایران و ترکیه در حل مسئله سوریه بدون مشارکت رژیم اسرائیل است (Ertugrul, 2012: 5).

ث- نقش رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه در مواضع این حزب

جدول زیر، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه را در قبال جمهوری اسلامی ایران، براساس رویکردهای هویتی این حزب بررسی می‌کند. به «اتخاذ سیاست تنش‌زدایی، پیوند سرمایه‌داری و اسلام و تلاش برای ارائه الگو در منطقه» به‌عنوان رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه تأکید شده است و براساس آن، نتایج چنین رویکردهایی در سیاست خارجی این حزب در قبال جمهوری اسلامی ایران تشریح می‌شود.

جدول ۱: نتایج انگاره‌های هویتی در سیاست خارجی

انگاره‌های هویتی AKP	نتایج آن در سیاست خارجی
اتخاذ سیاست تنش‌زدایی	برقراری روابط با آمریکا و رژیم صهیونیستی
پیوند سرمایه‌داری و اسلام	تفاوت با مدل جمهوری اسلامی
ارائه الگو در منطقه	رقابت منطقه‌ای با ایران

(منبع: نگارنده)

از آنجا که نظریه سازه‌نگاری بر هویت بازیگران سیاسی در نظام بین‌الملل تأکید دارد، رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه در این باره بررسی شد. اتخاذ سیاست تنش‌زدایی، پیوند سرمایه‌داری و اسلام و ارائه الگو در منطقه از جمله رویکردهای هویتی این حزب هستند که در این پژوهش به آنها توجه شد؛ تأثیرهای چنین رویکردهایی بر سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه نشان می‌دهند که تلاش این حزب برای اتخاذ سیاست تنش‌زدایی، برقراری روابط با آمریکا و رژیم اسرائیل را به دنبال داشته است. شرایط حاکم بر ترکیه موجب شده است که حزب عدالت و توسعه به دنبال تشکیل حکومت دینی نباشد و فرجام دولت نجم‌الدین اربکان نیز، سبب تأکید بیش از پیش بر این مسئله می‌شود؛ رویکرد منطقه‌ای عدالت و توسعه نیز در تقابل با نقش ایران در منطقه تعریف می‌شود؛ به گونه‌ای که آک‌پارتی به دنبال رقابت منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران است.

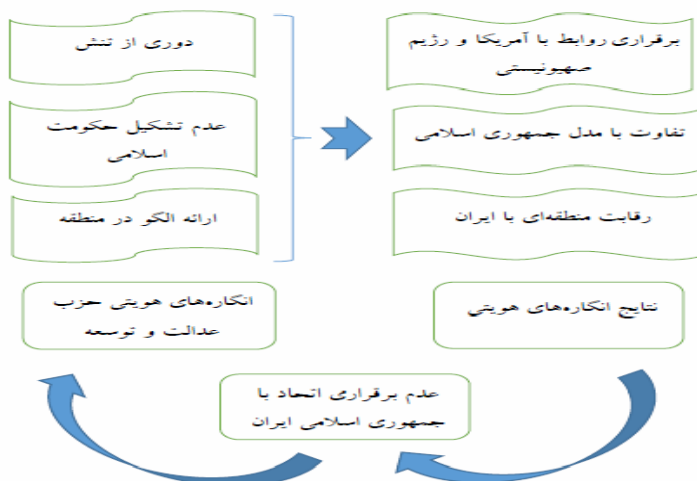
ج- رفتار سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران

رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه، موضعی دوستانه را برای این حزب در قبال جمهوری اسلامی ایران تعریف نمی‌کند؛ لذا این رویکردها بر مواضع حزب عدالت و توسعه به‌طور مستقیم تأثیر دارد؛ با این حال، از آنجا که مقاله حاضر، به دنبال تحلیل مواضع این حزب در قبال جمهوری اسلامی

ایران است، توجه به این نکته، ضروری است که آک‌پارتی، رویکردهای خود را در چندین چارچوب می‌تواند پیگیری کند. رفتار سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران در این قسمت تبیین می‌شود. چندین حالت متصور برای رفتار سیاست خارجی ترکیه از جمله برقراری اتحاد با ایران، اتخاذ سیاست‌های خصمانه، اتخاذ سیاست بی‌طرفی و سیاست‌های همکاری جویانه در قبال جمهوری اسلامی ایران در این قسمت بررسی می‌شود.

۱- برقراری اتحاد با ایران

انگاره‌های حزب عدالت و توسعه به دنبال ارائه رویکردی متمایز در قبال جمهوری اسلامی ایران است؛ لذا مواضع حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران به اتحاد با ایران منجر نمی‌شود. حزب عدالت و توسعه بر اساس رویکرد هویتی خویش در پی ارائه الگوی مطلوب خود در سطح منطقه است؛ لذا این موضوع به رقابت با جمهوری اسلامی ایران می‌انجامد؛ همچنین این حزب، یک ایدئولوژی التقاطی دارد که از یک طرف به دنبال خوانشی از اسلام‌گرایی است و از طرف دیگر، جهت‌گیری‌های لیبرالی دارد؛ نتایج دیگر انگاره‌های هویتی این حزب از جمله پیوند سرمایه‌داری و اسلام، تلاش برای برقراری روابط با آمریکا و رژیم صهیونیستی، تفاوت با مدل جمهوری اسلامی و عدم پابندی کامل به دیدگاه‌های اسلاف خود نشان می‌دهند که برقراری اتحاد حزب عدالت و توسعه به عنوان حزب حاکم ترکیه با جمهوری اسلامی ایران، بعید به نظر می‌رسد.



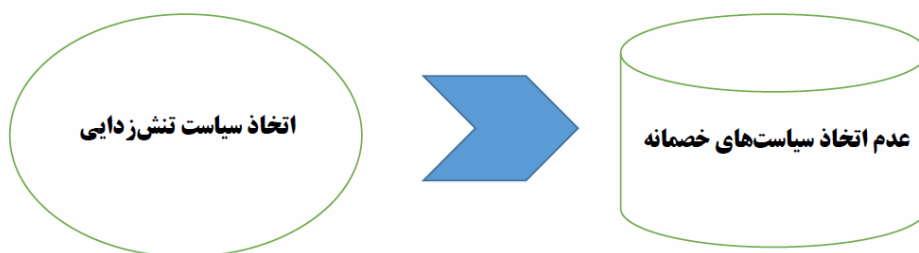
شکل ۱: عدم برقراری اتحاد

(منبع: نگارنده)

همان‌طور که شکل بالا نشان می‌دهد، رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه، نتایجی در سیاست خارجی این حزب داشته‌است؛ بر این اساس نتایج نیز، برقراری اتحاد میان حزب عدالت و توسعه و جمهوری اسلامی ایران، بعید به نظر می‌رسد؛ سیاست عدم برقراری اتحاد با جمهوری اسلامی ایران نیز به‌طور مجدد، موجب شکل‌گیری رویکرد هویتی جدیدی برای حزب عدالت و توسعه می‌شود و این چرخه دوباره تکرار می‌شود؛ چرخه یادشده، مواضع حزب عدالت و توسعه را در قبال جمهوری اسلامی ایران تشریح می‌کند.

۲- اتخاذ سیاست‌های خصمانه

رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه نشان می‌دهند که این حزب به دنبال تنش‌زدایی در سطح نظام بین‌الملل است؛ لذا اتخاذ سیاست خصمانه ضد جمهوری اسلامی ایران، بر اساس این رویکرد، بعید به نظر می‌رسد. حزب عدالت و توسعه به‌رغم دیدگاه‌های متفاوت خود با جمهوری اسلامی ایران به دنبال تنش‌زایی نیست. گرچه اتخاذ سیاست تنش‌زدایی، موجب برقراری روابط حزب عدالت و توسعه با ایالات متحده آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن مانند رژیم اسرائیل می‌شود؛ با این حال، معنای دیگر این سیاست، عدم ایجاد تنش در مناسبات میان آنکارا و تهران نیز محسوب می‌شود؛ بر این اساس، حزب عدالت و توسعه، سیاستی خصمانه را ضد جمهوری اسلامی ایران اتخاذ نمی‌کند.



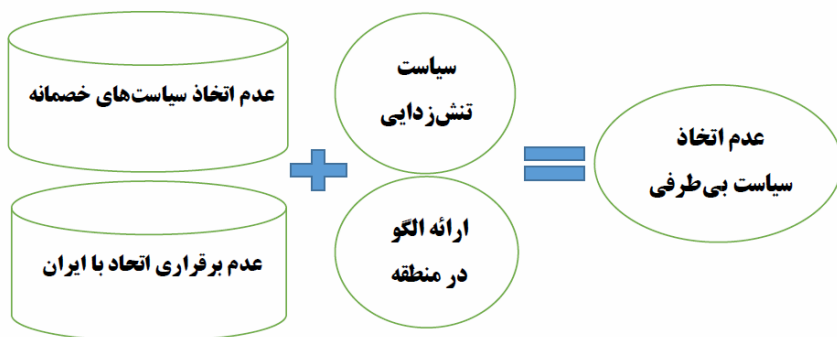
شکل ۲: عدم اتخاذ سیاست‌های خصمانه

(منبع: نگارنده)

شکل بالا، عدم اتخاذ سیاست‌های خصمانه از سوی حزب عدالت و توسعه را ضد جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد. تلاش‌هایی که برای ارتقای روابط دوطرف مشاهده می‌شود، از عدم تبعیت آنکارا از این موضوع حکایت دارد.

۳- اتخاذ سیاست بی‌طرفی

حزب عدالت و توسعه از یک طرف، سیاست تنش‌زدایی را در نظام بین‌الملل دنبال می‌کند و از طرف دیگر به دنبال ارائه الگویی متفاوت در منطقه است. گرچه حزب عدالت و توسعه، الگویی متفاوت را در منطقه پی می‌گیرد و نوع خوانش آن از اسلام با دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، متفاوت است، این حزب با تنش‌زدایی، موافق نیست؛ بر این اساس، حزب عدالت و توسعه در عین تأکید بر رویکردهای هویتی خود، به همکاری با جمهوری اسلامی ایران در منطقه، نیازمند است.



شکل ۳: عدم اتخاذ سیاست بی‌طرفی

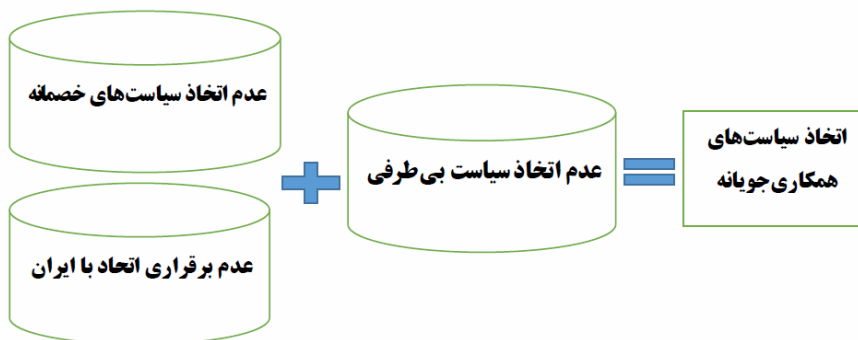
(منبع: نگارنده)

همان‌طور که شکل بالا نشان می‌دهد، حزب عدالت و توسعه از یک طرف به دنبال عدم اتخاذ سیاست‌های خصمانه ضد جمهوری اسلامی ایران است و از طرف دیگر، برقراری اتحاد با جمهوری اسلامی ایران را نیز پیگیری نمی‌کند؛ همچنین حزب عدالت و توسعه، سیاست تنش‌زدایی را در سطح بین‌الملل دنبال می‌کند؛ با این حال به دنبال ارائه الگو در منطقه نیز هست. اگر حزب عدالت و توسعه، تنها به سیاست تنش‌زدایی اکتفا می‌کرد، امکان اتخاذ سیاست بی‌طرفی از سوی این حزب وجود داشت؛ اما حال که ادعای ارائه الگو نیز در منطقه دارد، نمی‌تواند در قبال جمهوری اسلامی ایران بی‌طرف باشد؛ بر این اساس و طبق شکل بالا مؤلفه‌های معادله یادشده نشان می‌دهند که حزب عدالت و توسعه به دنبال عدم اتخاذ سیاست بی‌طرفی است.

۴- اتخاذ سیاست‌های همکاری‌جویانه

حزب عدالت و توسعه از یک طرف سیاست‌های خصمانه ضد جمهوری اسلامی ایران را

دنبال نمی‌کند و از طرف دیگر به دنبال برقراری اتحاد با جمهوری اسلامی ایران نیز نیست. همان‌طور که نتیجه شکل بالا نشان‌داد، این حزب نمی‌تواند سیاست بی‌طرفی اتخاذ کند. رفتار سیاست خارجی منتخب حزب عدالت و توسعه، اتخاذ سیاست‌های همکاری‌جویانه در قبال جمهوری اسلامی ایران است.



شکل ۴: اتخاذ سیاست‌های همکاری‌جویانه

(منبع: نگارنده)

همان‌طور که شکل بالا نشان‌می‌دهد، مجموع حالت‌های بررسی‌شده، یک حالت را به‌عنوان نتیجه نشان‌می‌دهد. حزب عدالت و توسعه براساس رویکردهای هویتی خویش، سیاست‌های همکاری-جویانه را در قبال جمهوری اسلامی ایران دنبال‌می‌کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بررسی رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه، به دنبال ارائه رفتار سیاست خارجی این حزب در قبال جمهوری اسلامی ایران بود. رویکردهای بررسی‌شده نشان‌دادند که اتخاذ سیاست تنش‌زدایی، پیوند سرمایه‌داری و اسلام و ارائه الگو در منطقه از جمله رویکردهای هویتی این حزب هستند؛ هر یک از این دیدگاه‌ها نتایجی بر مواضع حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران دارد؛ این حزب با سیاست تنش‌زدایی به دنبال کاهش تنش‌های خود در قبال کشورهای غربی به‌خصوص ایالات متحده آمریکا و متحدان آن است؛ گرچه این موضوع در قبال جمهوری اسلامی ایران نیز صدق‌می‌کند، فراگیری سیاست تنش‌زدایی، بیشتر است.

حزب عدالت و توسعه براساس تجربه اسلاف خود، به تشکیل حکومت اسلامی اقدام نکرد؛ درحقیقت، این حزب به تضاد میان سرمایه‌داری و اسلام، معتقد نبود؛ لذا مدلی که از سوی حزب عدالت و توسعه دنبال‌می‌شود، با مدل جمهوری اسلامی ایران، متفاوت است. تفسیر سرمایه‌داری از

«رفاه، رشد و عدالت» به‌عنوان اهداف میانی و غایی و اولویتی که برای هریک از این مؤلفه‌ها دارد، برداشتی خاص از «سعادت انسان و جامعه» است که ازسوی دیدگاه اسلامی به آن انتقادمی‌شود؛ تفسیر اسلام از مؤلفه‌های یادشده با نظام سرمایه‌داری تفاوت دارد.

رویکرد هویتی دیگری که در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه مشاهده می‌شود، ارائه الگو در منطقه است. ترکیه پس از تحولات جهان عرب تلاش کرده‌است که مدل نظام سیاسی خود را به‌عنوان الگوی اسلام سیاسی مدرن برپایه آموزه‌های اهل سنت ترویج کند؛ حزب حاکم ترکیه با این اقدام، به‌دنبال رقابت منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران است.

مجموع رویکردهای هویتی بررسی شده نشان می‌دهد که این دیدگاه‌ها بر مواضع حزب عدالت و توسعه در قبال جمهوری اسلامی ایران، مؤثر هستند. اتخاذ سیاست تنش‌زدایی، زمینه روابط حزب عدالت و توسعه با آمریکا و رژیم اسرائیل را فراهم کرده‌است که این موضوع با توجه به خصومت این بازیگران با جمهوری اسلامی ایران در راستای منافع جمهوری اسلامی تعریف نمی‌شود. پیوند سرمایه‌داری و اسلام، رویکردی دیگر است که از نظر ماهوی با مدل جمهوری اسلامی تفاوت دارد؛ لذا اندیشه‌هایی مانند اتحاد جوامع اسلامی که ازسوی نجم‌الدین اریکان دنبال می‌شد، برای حزب عدالت و توسعه، قابل توجه نیست؛ ارائه الگو در منطقه نیز رقابت منطقه‌ای را با جمهوری اسلامی ایران به‌همراه داشته که در بحران‌هایی مانند بحران سوریه به‌طور کامل، مشخص بوده‌است.

رفتار سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، براساس رویکردهای یادشده نشان می‌دهد که این حزب به‌دنبال اتخاذ سیاست‌های همکاری‌جویانه در قبال جمهوری اسلامی ایران است؛ این حالت از میان حالت‌های سیاست برقراری اتحاد، سیاست بی‌طرفی، اتخاذ سیاست‌های همکاری‌جویانه و سیاست‌های خصمانه، برگزیده شد.

پیشنهادهایی راهبردی درباره روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه با توجه به رویکردهای هویتی حزب عدالت و توسعه می‌توان ارائه کرد که در تصمیم‌های این حوزه قابل بهره‌برداری است. این پژوهش به این نتیجه دست یافت که انگاره‌های هویتی آکپارتی بر رفتار سیاست خارجی این حزب، تأثیرگذار است؛ لذا ابتدا توجه به این نکته در تصمیم‌های سیاست خارجی، حایز اهمیت است.

از آنجا که حزب عدالت و توسعه، به سیاست تنش‌زدایی در عرصه سیاست خارجی توجه نشان داده‌است، رسیدن به ضمانت‌های اجرایی برای عدم تأثیرگذاری روابط آنکارا با آمریکا و رژیم اسرائیل بر مناسبات ترکیه با جمهوری اسلامی ایران، ضروری به‌نظرمی‌رسد؛ تفاوت انگاره‌های تهران

و آنکارا نسبت به پیوند سرمایه‌داری و اسلام نیز نباید به زمینه اختلاف در این حوزه مبدل‌شود؛ همچنین گرچه تلاش ترکیه برای ارائه الگو در منطقه در تضاد با منافع جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، با این حال برای رسیدن به منافع حداکثری باید حوزه‌های منافع مشترک گسترش یابند و منافع متضاد نیز با مدیریت دوطرف به نزاع تبدیل نشوند.

منابع

۱- منابع فارسی

- اکبری، نورالدین (۱۳۹۴)؛ «قدرت‌یابی اسلام‌گرایان در ترکیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با ج.ا.ا. ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*؛ ش ۱۵.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۰)؛ «از آلترناتیو اسلامی تا دموکراسی محافظه‌کارانه»، *ماه‌نامه مهرنامه*؛ ش ۱۰.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴)؛ «پس‌اتجددگرایی در روابط بین‌الملل»، *مجموعه مقالات روابط بین‌الملل*: یادنامه هوشنگ مقتدر؛ تهران: مؤسسه بین‌المللی مطالعات دریای خزر.
- واعظی، محمود (۱۳۹۳)؛ «میان‌روهای کارآمد»، *همشهری دیپلماتیک*؛ ش ۱۷.
- وهاب‌پور، پیمان (۱۳۹۴)؛ «نقش‌آفرینی اتحادیه اروپا از دیدگاه سازه‌نگاری»، *پژوهش حقوق و سیاست*؛ ش ۴.
- هیینه بوش، ریموند (۱۳۹۴)؛ «روابط بین‌المللی کشورهای خاورمیانه»، ترجمه عسگر قهرمان‌پور، *فصلنامه مطالعات راهبردی*؛ ش ۳، ص ۲۸۳ تا ۲۹۲.

۲- منابع انگلیسی

- Amin, Galal (2006), "*The Illusion of Progress in the Arab World*", Cairo: American University in Cairo Press.
- Ayman, S. Gulden (2012), "*Regional Aspiration and Limits of Power-Turkish-Iranian Relations in the New Middle East*", *Hellenic Studies*, Vol. 20, No. 1: 15.
- Balci, Ali and Kardas, Tuncay (2012), "*The Changing Dynamics of Turkey's Relations with Israel*," *Insight Turkey*, XIV: 2.
- Bengio, Ofra (2004), "*The Turkish-Israel Relationship, Changing Ties of Middle East Outsiders*", New York, by Palgrave Macmillan First Published.
- Cagaptay, Soner and Evans, Tyler (2012), "*The Unexpected Vitality of Turkish-Israeli Trade*", The Washington Institute for Near East Policy, available at:

<http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/the-unexpected-vitality-of-turkish-israeli-trade-relations>.

- Dalby, Simon (2007), "*Regions, Strategies and Empire in the Global War on Terror*," Geopolitics, Vol. 12, Issue. 4.
- Ertugral, Dogan (2012), "*A Test for Turkey' Foreign Policy: The Syria Crisis*", Tesev Foreign Policy Programme, 1-10. Extract /17/4/60.
- Finkel, Andrew (2012), "*Turkey: What Everyone Needs to Know*" Oxford, Oxford University Press.
- Gruen, E. George (2004), "Turkey's Strategic Mideast Regional Initiatives", *American Foreign Policy Interests*, No. 26.
- Hudson, Micheal (2005), "*The United State in the Middle East, International Relation of the Middle East*", London: Oxford University Press!
- Kibaroglu, Mustafa (2005), "*Turkish Concerns about the State Building Efforts in Iraq*", *The Iranian Journal of International Affairs*, Vol. XVII, No.
- MacDonald, D. B (2012). "Imperial legacies and neo-Ottomanism: Eastern Europe and Turkey". *Insight Turkey*, 14 (4), pp.101-20.
- Murinson, Alexander (2007), "*The Strategic Depth Doctrine of Turkish Foreign Policy*" *Middle Eastern Studies*, Vol.42, No.6.
- Ritberger Volker (2002), "*Approaches to the Foreign Policy Derived from International Relations the Ories*", Paper Prepared Annual Meeting of the International Studies, New Orlean, and March.
- Robins, P (2001). Turkish foreign policy under Erbakan. *Survival*, 39(2), 82-100.
- Salivan, Martin (2008), "*Turkey and Israel's Relationship in the MiddleEast*", *Mediterranean Quarterly*, at: http://wwwmq.dukejournals.org/cgi/pdf_
- Schenker, David (2011), "*Turkey's shift on Syria gives West room to get tougher on Assad*", available at: <http://news.yahoo.com/turkeys-shift-syria-gives-west-roomtougher- assad 182425736.html>.

- Tanir, Ilhan (2012), "*The Arab Spring and Turkey-US Relations*", Turkish Policy Quarterly, Vol.10, No. 3: 5-10.
- Wind M (2004), "*The Rules of Anarchy*", Journal of peace Research.
- Yavuz, M.H (2003). *Islamic Political Identity in Turkey*, Oxford University Press

۳- منابع استانبولی

- Keyman, F (2009), *Türkiye ve Radikal Demokrasi: Modern Zamanlarda Siyaset ve Demokratik Yönetim*, Istanbul: Baglam Yayinlari.
- TÜR, Özlem (2006), "*Türkiye ve Orta Doğu: Gerilimden HT Birlikine, i n (ed)*", DA ZI, Zeynep, Dogudan Bat Tya D TW Politika: AK Partili Y Tllar, Orion Publishing.